

## مصاحبه با:

### رئیس دانشگاه تهران «دکتر هوشنگ نهاوندی»

نظر به ضرورت انعکاس اندیشه‌ها و اقدامات و اهداف آتی  
آقای رئیس دانشگاه مصاحبه‌ای با ایشان در تاریخ ۲۴/۱/۳۵ توسط  
قاسم صافی «مدیر مجله» انجام گرفت که از نظر خوانندگان  
میگذرد.

\* جناب عالی در مقام ریاست دانشگاه، تصویری از چگونگی توسعه کمی و کیفی دانشکده‌ها و مؤسسات وابسته به دانشگاه تهران در سال آینده و سالهای آتی بفرمائید.  
— توسعه دانشگاه تهران در سالهای آینده بیشتر براساس تأکید بر بهبود کیفیت آموزش و تحقیق و توسعه دوره‌های تخصصی از قبیل فوق‌لیسانس و دکتری و آموزش بعداز دکتری خواهد بود.  
دانشگاه تهران در حال حاضر تقریباً به حد اکثر ظرفیت خود از نظر تعداد دانشجو رسیده است. در صورتی که احتیاجات مملکت در بعضی رشته‌ها ایجاب کند که اندکی میزان پذیرش دانشجو را افزایش دهیم، در مجموع تعداد دانشجویان دانشگاه تهران نباید از ۲۵ هزار نفر تجاوز کند.  
در حال حاضر تعداد دانشجویان دانشگاه تهران مشتمل بر تقریباً ۱۷ هزار نفر دانشجوی دائمی و ۳ هزار نفر دانشجو در رشته‌های وابسته مثل دوره‌های یکساله بازآموزی، دوره‌های تخصصی، دوره‌های تکنسیسین و... می‌باشد.  
بنابراین دانشگاه تهران درصدد است که در سالهای آینده در رشته‌های مورد نیاز مملکت، دوره‌های فوق‌لیسانس و بخصوص دکتری تأسیس کند. ولی هدف از دایر کردن این دوره‌های جدید، اعطای عنوان باسانی به عده‌ای نیست.

بلکه منظور اینست که دوره‌های جدید از لحاظ کیفیت و سطح تعلیم و ماهیت تحقیق با بهترین دانشگاه‌های دنیا برابر باشد.

در چند سال اخیر که افتخار خدمت در سمت فعلی را در دانشگاه تهران داشته‌ام، علاوه بر دایر کردن مجدد دوره‌های دکتری اقتصاد و حقوق و علوم انسانی، در رشته‌های تعلیم و تربیت، مدیریت و گیاه پزشکی نیز دوره‌های دکتری تأسیس شده است.

برنامه‌های این دوره‌ها، نحوه تدریس، مطالعاتی که به دانشجویان تفویض می‌شود، دقتی که در پذیرش دانشجویان و امتحانات دانشجویان به عمل می‌آید و کتابهای مرجعی که برای مطالعه داده می‌شود به نحوی است که به جرأت میتوان اظهار داشت که سطح آموزش در این دوره‌ها با بهترین دوره‌های مشابه کاملاً هم‌تراز و یکسان است. و این نکته را تمام استادان خارجی دانشگاه تهران که برای تدریس در آن دوره‌ها دعوت میشوند اذعان داشته و تصدیق کرده‌اند.

بعنوان مثال کیفیت دوره دکتری دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران مسلماً کمتر از دوره مشابه آن در پاریس یعنی دکتری دولتی نیست. با استفاده از برجسته‌ترین دانشمندان آمریکائی از دانشگاه کالیفرنیا در رشته‌های اقتصاد و علوم اداری و مدیریت، سطح تدریس و تحقیق واقعاً با دانشگاه‌هایی مثل برکلی یا کالیفرنیا در لوس آنجلس که با دانشکده علوم اداری همکاری دارند برابر است.

در آینده کوشش خواهد شد، که کیفیت آموزش در دانشگاه بازم با اثر برود. در سالهای بعد کشور ما بمراتب اقتصاد مترقی‌تر و پیشرفته‌تری خواهد داشت، مؤسسات اقتصادی، صنعتی و بازرگانی بمراتب بزرگتر شده و مقیاس منطقه‌ای و جهانی پیدا خواهند نمود، و نیاز به تحقیق در ایران بیشتر می‌شود.

رای جوابگویی به چنین نیازهایی ما به متخصصین طراز اول احتیاج داریم و این متخصصین طراز اول را در درجه اول باید در دانشگاه تهران پرورش دهیم. بنابراین لازم است که حداکثر سختگیری در کار آموزش بشود و تمام سعی و کوشش متوجه بهبود کیفی آموزش و تحقیق در دانشگاه گردد.

خوشبختانه قسمتی از مهمترین موانع موجود در راه پیشرفت تحقیقات در دانشگاهها از جمله دانشگاه تهران که مقررات اداری و مالی مزاحم بود، بعد از چند سال کوشش دانشگاهها و همکاری وزارت علوم و آموزش عالی بر اساس اوامر مؤکدی که شاهنشاه و شهبانو صادر فرموده‌اند از میان برداشته شده است،



و تاحدی مقررات اداری و مالی برای انجام فعالیت‌های تحقیقاتی تسهیل شده است، و امید میرود که با افزایش اعتبارات در این قسمت بتوان جوابگوی نیازهای گوناگون مملکت در زمینه‌های توسعه تحقیقات بود.

همچنین این اطمینان وجود دارد که سال آینده، فعالیت‌های تحقیقاتی در بعضی از مراکز تحقیق دانشگاه مثل: دپارتمان بیولوژی ملکولی و سلولی دانشکده علوم، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشکده حقوق، بعضی از قسمت‌های تحقیقاتی دانشکده بهداشت و مؤسسه تحقیقات علوم اجتماعی، یک مقیاس مهم و معتبر بین‌المللی پیدا خواهند کرد. و از هم‌اکنون این مؤسسات مذکور و بخصوص دو مؤسسه اول بتدریج شهرت جهانی کسب می‌کنند.

آموزش عالی در ایران از لحاظ کمی توسعه زیادی پیدا کرده و دانشگاه‌های جدید تأسیس شده‌اند. مدارس عالی متعدد اعم از خصوصی و یا دولتی و یا وابسته به بعضی از مؤسسات در حال فعالیت هستند ولی از لحاظ نیروی انسانی و امکانات دیگر از قبیل آزمایشگاهها و بیمارستانها، مرکزیت دانشگاه تهران را که قدیمترین و بزرگترین دانشگاه کشور ما است و تحولاتش هم توأم با تحولات پنجاه سال کشورمان است، ندارند.

بنابراین وظیفه دانشگاه تهران این است که نقش رهبری تحقیقاتی و آموزشی خودش را کماکان حفظ کند و خوشبختانه در مقام نگهداری این موقعیت ممتاز نیز می‌باشد.

\* موضوعی که اخیراً در دانشگاه تهران مورد توجه بیشتر قرار گرفته است تجلیل از بزرگان علم و ادب و فرهنگ ایران است ممکن است در این زمینه توضیحی بفرمائید.

— موضوعی که یادآوری آن ضروری است، کوششی است که در ۵ سال اخیر در دانشگاه تهران برای شناسایی و شناساندن خدمتگزاران واقعی این مملکت و تجلیل از بزرگان علم و ادب و فرهنگ ایرانی به عمل آمده است که بسیاری از آنها افرادی بوده‌اند که متأسفانه اگر هم شناخته شده بودند، شاید در مراجع رسمی یادی از آنها نمی‌شد.

مجالس و مجامع بزرگداشتی که مخصوصاً در کتابخانه مرکزی در پنج سال اخیر برپا شد و مجامع بحث و گفتگو دربارهٔ فروغی، امیرکبیر، مشیرالدوله، و شعرای بزرگ فارسی از جمله مولوی و صائب و بعضی از معاصران و امثال

اینها واقعاً بازتاب مطلوبی در جامعه داشته است. تذکر این نکته لازم است که تجلیل از دانشمندان ایران، از بزرگان علم و ادب و فرهنگ ایران، و تجلیل از خدمتگزاران واقعی این سرزمین، آنهاییکه در میان ما نیستند، در واقع درسی است برای نسل جوان که بدانند آیندگان هم خدمات آنها را در صورتیکه در شمار سرآمدان و برجستگان جامعه امروز باشند فراموش نخواهند کرد و برای نسل جوان سرمشق تقوی و صداقت و اخلاص عمل میباشند.

\* باتوجه به توسعه کمی و کیفی که در سطح دانشگاه فرمودید و اینکه دانشگاه تهران کوشش دارد که نقش رهبری تحقیقاتی و آموزشی خودش را کماکان حفظ کند، خطمشی دانشگاه را در برابر مسائل اجتماعی و فرهنگی جامعه کنونی ایران توضیح بفرمائید.

— همانطوریکه بارها گفته‌ام، دانشگاه در درجه اول محلی است برای انتقال دانش از نسلی به نسل دیگر. ولی رسالت یک دانشگاه تنها به این عمل محدود نمی‌شود. دانشگاه علاوه بر اینکه باید به توسعه تحقیقات اصیل برای پیشرفت و انبساط علم کمک کند، به معنای اعم و وسیع کلمه یک نقش فرهنگی، هنری و اجتماعی نیز دارد. یعنی دانشگاه باید یک کانون زنده و فعال و خلاق آفرینش آزاد فرهنگی و هنری باشد. یکی از مواردی را که از ابتدای خدمت در این سمت در دانشگاه تهران بسیار تشویق کرده‌ام و میبایست هم‌پیشده، کار فعالیتهای فرهنگی بود که مجله دانشکده نمونه‌ای از آن موارد است و همچنین برنامه‌های تأثر و کانون‌های فیلم، برنامه‌های کنسرت و نمایشگاهها و غیره که در دانشگاه تهران برپا میشود و میتوان گفت خوشبختانه قسمت مهم آن و شاید تقریباً همه آنها ناشی از ابتکار اعضای هیأت علمی و دانشجویان دانشگاه تهران میباشد. این کوشش خلاق فرهنگی مسلماً باید در سالهای آینده توسعه پیدا کند. ملاحظه میشود که در حال حاضر یک تالار مولوی و یک تالار دانشکده هنرهای زیبا که به برنامه‌های هنری و تأثر مخصوصاً اختصاص دارند، در تمام سال در اشغال میباشند و مکرر تقاضا برای ایجاد تالار سوم می‌شود که امید می‌رود که تأسیس آن امسال شروع شود و به‌عنوان یک تأثر تجربی به‌گروه تأثر اختصاص یابد، و این نشان‌دهنده افزایش روزافزون محصول فعالیت‌ها میباشد.

کوشش دیگری که دانشگاهها و از جمله دانشگاه تهران می‌بایستی جداً در



آن شرکت جویند، شرکت در فعالیت‌های اجتماعی به عنوان رایزن و مشاور می‌باشد. هیچ مرجعی در ایران وجود ندارد که به اندازه دانشگاه تهران متخصصین همه رشته‌های دانش بشری از مهندسی گرفته تا پزشکی و ادبیات و الهیات و... در آن تجمع کرده باشند.

دریغ است که این نیروی عظیم انسانی انحصاراً و صرفاً به امر آموزش و تحقیق دانشگاهی اختصاص یابد و مملکت به عنوان مشاور نتواند از این نیرو استفاده کند. در این زمینه شاهنشاه و شهبانو او امر مؤکدی صادر فرموده‌اند که امید می‌رود بتوان موجبات اجرایش را فراهم نمود.

\* همانطور که مستحضرید وظایف آموزشی دانشگاه تهران که در واقع دانشگاه مادر باشد با کلاس شروع نمی‌شود و در کلاس هم ختم نمی‌شود، بلکه قسمتی هم از طریق انتشارات صورت می‌گیرد. توضیح بفرمائید کتابهای منتشره در دانشگاه چه تحولی در وضع انتشارات و آگاهی تحصیلی دانشجویان به وجود آورده و تا چه حد به هدف رسیده است. به بیان دیگر در مورد سیاستها و یا علائق و هدفهای انتشاراتی دانشگاه، اهم از کتابهای درسی و غیردرسی و نیز مجلات اشاره‌ای بفرمائید.

— فعالیتی که در سالهای اخیر مورد تأکید دانشگاه تهران بوده است، توسعه انتشارات می‌باشد. و رقم آن از ۲۵۰ کتاب در سال گذشته بوده است و امید می‌رود که در سال جاری از ۳۰۰ کتاب بگذرد. بطور کلی کیفیت و تنوع انتشارات دانشگاه تهران بهبود قابل ملاحظه‌ای پیدا کرده است و کوشش دانشگاه بر این می‌باشد که نه تنها کتابهای آموزشی و کمک آموزشی را انتشار دهد بلکه در زمینه هنر، فرهنگ، ایرانشناسی، مسائل سیاسی، مسائل مرامی و مسائل اقتصادی، بهترین آثار را تألیف و یا ترجمه کند و در دسترس علاقمندان و اهل نظر قرار دهد.

مجله‌های دانشگاه تهران در حال حاضر هر کدام به مراتب، کانون‌ها و مراجعی برای انتشار تحقیقات دانشمندان ایرانی می‌باشند و بعضی از این مجله‌ها مثل نشریه انگلیسی و فرانسه مرکز مطالعات عالی بین‌المللی یا مجله تحقیقات اقتصادی یا مجله Acta medical iranico از اعتبار و شناخت بین‌المللی برخوردار است.

\* با توجه به گفتار شما در مورد گسترش فعالیتهای انتشاراتی در سطح دانشگاه و نیز

با در نظر گرفتن اینکه مجله‌های دانشگاه تهران به عنوان مرجع برای تحقیقات دانشمندان ایرانی انتشار می‌یابد، بفرمائید دانشگاه تهران چه نقشی در جهت اشاعه فرهنگ ملی به عهده دارد و نیز ارزش و اهمیت اشاعه فرهنگ ملی به وسیله دانشگاه از نظر جنابعالی چگونه تلقی می‌شود؟

— دانشگاه تهران از نظر صیانت و اشاعه فرهنگ ملی دارای يك مقام و مرجعیت خاصی است و یکی از کوشش‌های ما هم برای این است که در دانشکده‌هایی که از این بابت مناسب و رسالت دارند فرهنگ ایرانی را بهتر بشناسیم و در مورد هویت فرهنگی کشور خود تحقیقات وسیعی انجام دهیم و سرانجام آنها را بهتر بشناسانیم. اول باید خودمان را بشناسیم و سپس بشناسانیم.

در زمینه انتشارات دانشگاه تهران، محدودیت‌هایی از جمله محدود بودن تعداد کتابهایی که دانشگاه چاپ میکند، وجود دارد و به همین علت ما نمی‌توانیم همه را به يك رشته یعنی فرهنگ ملی اختصاص دهیم. ولی خوشبختانه با وجود این محدودیت‌ها هر سال تعداد کتابهای بسیاری که در زمینه شناسائی و شناساندن فرهنگ ملی ماست، از قبیل متون کلاسیک ادبی، تحقیقات تاریخی، تحقیقات جغرافیائی، ترجمه سفرنامه‌های جهانگردان خارجی، مطالعات اقتصادی راجع به ایران و مطالعات اجتماعی در مورد ایران از طرف دانشگاه تهران منتشر می‌شود. و در بسیاری از رشته‌های تخصصی نظیر علوم سیاسی، ادبیات، اقتصاد و علوم اجتماعی استادان مربوط در داخل و خارج دانشگاه مقالات و کتب متعددی در این زمینه انتشار میدهند. و با قائل شدن تخفیف از لحاظ قیمت تا حد امکان سعی می‌شود که شریات آسانتر و ارزاتر مخصوصاً بدست دانشجویان برسد.

در مجموع هم ذکر این نکته ضروری است که کارهای تحقیقاتی و انتشاراتی اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران در زمینه بازشناسی هویت و فرهنگ ملی در حدود ۹۰ درصد کارهایی است که در تمام ایران انجام می‌شود. باین ترتیب قسمتی از آن را در دانشگاه انجام داده و یک قسمت دیگر آن را مؤسسات دیگر مثل بنیاد فرهنگ ایران، بنیاد پهلوی و حتی دانشگاههای دیگر به عهده می‌گیرند و کارهای اعضای هیأت علمی دانشگاه تهران را منتشر می‌کنند.

خوشبختانه در چند سال اخیر علاوه بر چند مؤسسه‌ای که ذکر شد دانشگاه‌های دیگر ایران مخصوصاً دانشگاه آذربایجان، دانشگاه پهلوی، دانشگاه اصفهان و دانشگاه فردوسی به فعالیت‌های تحقیقاتی و انتشاراتی وسیعی دست زدند. امید



می‌رود که با تشکیل دانشگاه فارابی قسمتی از این رسالت فرهنگی و هنری توسط این دانشگاه به‌انجام رسیده و نقش فعالی در راه شناسائی و شناساندن فرهنگ ملی ایران داشته باشد.

\* همانطور که میدانیم دانشگاه در اساس مؤسسه انتفاعی نیست، خرج میکند که به افراد بیاموزاند و مهارت یاد بدهد. امکانات تحصیلی اعم از وسایل و تجهیزات و استاد برای دانشجو آماده میکند، لطفاً بفرمائید در مورد مجله دانشکده که بهای هر جلد آن از قیمت تمام شده، بسیار کمتر است، این مورد مصداق دارد؟

— من شخصاً با بخش نشریات مجانی مخالقم. بطور کلی انسان کتاب و یا مجله‌ای را که بطور رایگان در اختیارش گذارده می‌شود آنقدر ارج نمی‌گذارد. ولی تمام انتشارات دانشگاه تهران حتی آنهایی که به ظاهر گران بنظر می‌رسند، یا ضرر بفروش میرسد و در مورد فروش آنها به دانشجویان و استادان متحمل ضرر بیشتری می‌شویم. کتابهای درسی با ۵۰ درصد تخفیف به دانشجویان فروخته میشود و حال آنکه قیمت اصلی آنها قیمتی است که منفعتی برایشان منظور نشده است. و کتابهای غیر درسی با ۲۰ درصد تخفیف و همچنین تخفیف‌های قابل ملاحظه‌ای برای استادان دانشگاهها در نظر گرفته شده است.

هدف ما در حقیقت اشاعه فرهنگ است و باید هم‌چنین باشد. دولت تا حد امکان و شاید بیش از حد امکان کمکهای مالی لازم را به دانشگاه کرده است و ما در این زمینه هم البته به‌اتکاء و استناد چنین کمک‌هایی است که توانسته‌ایم این امتیازات را قائل شویم.

\* در گفتارهای فرمودید که در انتشار نشریات دانشگاهی جنبه‌های ارشادی و آموزشی مطرح نظر است. جنابعالی این جنبه‌های غیر انتفاعی را از نظر ارتباط با اصل آموزش رایگان تا چه سطح می‌بینید. «آیا هر عمل غیر اقتصادی مردود است مثل آموزش رایگان یا اینکه هدفهای تربیتی مهم دارد»؟

— آموزش رایگان مطلب دیگری است. آموزش رایگان در حقیقت مفهومش این است که کسانی که از مزایای مملکت استفاده می‌کنند، خدمت خود را در داخل مملکت و برای مملکت انجام دهند و از جانب دیگر یک نوع تعهد از جانب دولت برای تأمین کار جهت فارغ‌التحصیلان دانشگاه می‌باشد. شاید

این تأمین در شرایط امروز که مملکت احتیاج به نیروی انسانی متخصص دارد، چندان اهمیت آن احساس نشود ولی بهر صورت این واقعیت بمراتب محسوس‌تر خواهد شد. وبه‌طور کلی مقصود اصلی از آموزش رایگان، جلب نظر نسل جوان مملکت به این مسأله است که نیرو و هم خودشان را وقف مملکت کنند. تا حدودی که اطلاع دارید در رشته‌های پزشکی، دندانپزشکی و یا پرستاری که مملکت بیش از سایر رشته‌ها بطور سرانه خرج میکند و این هزینه‌ها را بمنظور آماده‌سازی نیروی انسانی متحمل می‌شود، در بعضی از موارد تا ۸۰ درصد فارغ‌التحصیلان بلافاصله پس از اتمام تحصیل رهسپار خارج می‌شوند، در حالیکه ما از دو سال پیش باینطرف مجبوریم از اطبای خارجی و همچنین از پرستاران خارجی استفاده کنیم و برای تأمین خدمات درمانی و بهداشتی مورد نیاز هم میهنانمان هم با کمبود پزشک و پرستار و دندانپزشک بطور فاحشی روبرو هستیم و امید می‌رود که نظام جدید آموزش رایگان تا حدودی این مشکلات را برطرف کند. وبالاخره برای بعضی دیگر از رشته‌ها مثل علوم انسانی و نظائر آن در حقیقت یک نوع بیمه کار است.

✽ آخرین سؤال را به پیام شما برای مجله دانشکده اختصاص می‌دهم.

— برای شما آرزوی موفقیت دارم، و همانطوری که در آغاز مصاحبه‌ام گفتم امیدوارم مجله دانشکده کانون و مرجعی برای ارائه افکار نو و آفرینش آزاد فرهنگی و برخورد آراء و عقاید بوده باشد و اندیشه‌های سازنده تازه از طریق این مجله پرتو افکند.



من بسیار چیزها در دل دارم که نگفتم و  
ننوشتم و نمیگویم و نمینویسم، اما آنقدر شجاعت  
دارم که برخلاف آنچه حق و درست میدانم ننویسم.

مقاله‌ی «وضع کنونی شعر فارسی» نگارش دکتر رضا داوری که در شماره گذشته چاپ  
شد، مورد نظر بسیاری از دانش‌پژوهان قرار گرفت، استقبال از این مقاله و عکس‌العمل آن  
دراندهاں عموم، آن‌چنان بود که حتی برخی جراید، بعنوان مصاحبه! یا به‌صورت دیگر قسمتهائی  
از آن را نقل کردند. و همانگونه که معمول است، چون سخن از شعر و شاعری بود هیاهو  
بالا گرفته و سرانجام نگارنده، آزرده‌خاطر گشته‌اند.

چنانکه برخوانندگان محترم پوشیده نیست، مجله سعی‌وافی دارد که ابدال علم و ادب امروز  
ایران را در مسیر معنوی خود همگام سازد و آنانرا در گشایش باب مباحث ارزنده و نگارش مقالات  
ضروری و مفید تحریض و تشویق نماید و از ابتدای کار تازمانی که مقاله‌ای آمله به‌دست‌خواننده  
میرسد زحمات زیادی برعهده مجله و همکاران آن محول است و انتظار می‌رود عزیزی که  
مطالب گفتنی یا نظر و حرفی مستدل و منطقی دارند با ارسال آن بر ما منت گذارند، نه آنکه  
به‌صورتی عکس‌العمل نشان دهیم که به‌مصادق جمله‌ای که در بالای صفحه از کانت آورده‌ایم،  
نویسنده اگر حرفی هم دارد از خیر ذکر آن بگذرد لیکن بر ما مسلم است چون برخی  
جراید سخن استاد را عیناً از مجله، آورده و به‌عناوین مصاحبه و مقاله ... و غیره چاپ  
کرده بودند موجب ایجاد این مسأله گشته‌اند و گر نه اطمینان داریم خوانندگان محترم، چون  
از نهایت دقت و کوشش ما مطلع بوده و به‌کار ما وثوق کامل دارند، عکس‌العمل و نظر و  
اقدامشان همواره قرین متانت و نزاکت کامل است.

نویسنده همراه مقاله‌ای که به‌خواهش ما برای درج در شماره حاضر ارسال داشته‌اند،  
نامه‌ای نیز به‌پیوست فرستاده‌اند که لازم دانستیم پیش از مقاله به‌خاطر سازندگی و فایده‌ایکه  
دربار دارد (درواقع مقدمه‌ایست به‌مقاله ایشان) برای امان‌نظر خوانندگان محترم بیاوریم.

«مقاله وضع کنونی شعر فارسی» که در شماره گذشته مجله دانشکده چاپ شد مورد عنایت اهل نظر قرار گرفت و بعضی از جراید با اغلاط چاپی زیاد، به عنوان مصاحبه! یا به صورت دیگر قسمتهائی از آنرا نقل کردند. از این نکته که بگذریم رویهمرفته این مقاله اسباب زحمت من شده است. من باسادگی خاصی که دارم تصور میکردم که این مقاله فتح باب تازه‌ای در بحث از شعر معاصر خواهد بود زیرا بحث شعر فارسی را در ارتباط باوضع تاریخی طرح کرده بودم و معتقدم که فهم و درک شعر معاصر، جز از این طریق میسر نمیشود و هرچه در باب آن میگویند خارج از انشاء نویسی و لغاظی و رد و اثبات یا ترجمه کلیاتی که نقادان غربی در باب شعر گفته‌اند نیست. البته راقم این سطور هم بر مبنای اصول و مبانی فلسفی که اختیار کرده است می‌نویسد و مگر میشود در باب ماهیت شعر و وضع تاریخی آن بدون اتکاء بر اصول و مبانی فلسفی یا بدون استمداد از تفکر چیزی گفت و نوشت؟ هر کس در این باب چیزی نوشته تاگیر فلسفه گفته‌است و آنکه این را نمیداند و مبانی نوشته خود را نمی‌شناسد فلسفه سطحی یافته است و مییافتد.

جماعتی از بابت نوشتن این مقاله رنجش پیدا کرده‌اند و طائفه‌ای هم بنظر لطف در آن نگاه کرده‌اند و خوشمزه آنکه بعضی از رنجیدگان قبل از خواندن مقاله رنجیده‌اند و یکی میگفت مقاله را هنوز نخوانده‌ام و ملامت میکرد که این مطالب مکرر است و زیاد در باب آن نوشته‌اند و دیگر نباید نوشت. باخوانندگانی که قبل از خواندن مقاله در مورد آن تصمیم میگیرند و اظهار نظر میکنند چه باید کرد؟ کسانی که بنده را مورد عتاب و خطاب قرار داده‌اند نمیگویند که کجای مقاله بد است و چه نقصی دارد؛ میگویند در این مسائل وارد شو و در باب شعر چیزی بنویس. همان فلسفه را بنویس سنگین‌تری و معلم فلسفه را با نقادی شعر چکار و... من بهیچ چیز و بهیچ کس کاری ندارم. در گوشه خلوت خود نشسته‌ام و کتاب می‌خوانم. گاهی هم چیزی قلم می‌زنم. این مطلب راجع به شعر را هفت سال پیش نوشته‌ام و اصرار هم نداشتم که چاپ شود. اکنون هم اگر کسی مطالبه مطلبی برای طبع و انتشار نکند درخواست چاپ هیچ مطلبی نمیکنم. ولی از کسانی که این مقاله را خوانده و نخوانده نپسندیده‌اند می‌پرسم اینهمه که مطالب در مجلات چاپ میشود چرا کسی نویسندگان را ملامت نمیکنند! اما این شکسته قلم باید حقیقتان بنفش بگیرد؟ شاید گناهی اینست که مراعات این و آن را نکرده و پروای این را نداشته است که



نوشته‌اش خوشایند کیست و مطبوع طبع کدام فرقه نیست. یکبار در مجلسی مطلبی خواندم و بعد شنیدم که گفتند برای مخالفت با فلان یا موافقت با بهمان آنرا نوشته‌ام. قسم میخورم که در موقع نوشتن اصلاً خبر نداشتم که فلان و بهمان درجهان هستند یا نیستند. امروز باینکه همه از بی نظری و بی غرضی در علم دم‌میزنند اگر نوشته‌ای مغرضانه نباشد اسباب دردسر نویسنده میشود. همه باید مغرضانه بنویسند و این غرض هم باید از پیش تعیین شده باشد و غرض جماعت خاصی باشد. اما من نمی‌خواهم اهل این حرفها باشم و وقتی مینویسم ملاحظه و مراعات اشخاص و فرقه‌ها نمی‌کنم و بی‌روی و ریا مینویسم و توقع اینست که اهل مهر و معرفت یا مدعیان صفا و معرفت، قلمی را که بی روی و ریا می‌نویسد نشکنند اشکال کار ما صرفاً این نیست که در فضل و علم کم مایه‌ایم یا سخنان سطحی می‌گوییم و می‌نویسیم. ما با همه کس و با خودمان ریا می‌کنیم و ای بسا که ستایش ما از اهل مهر و معرفت هم ربائی است. می‌خواستم در باب علل و جهات نفسانی توجهی که به «نیما» میشود مطالب دیگری هم اضافه کنم که فراموش کردم. اگر آنرا نوشتم اینرا میگویم که من لالائی‌خوان بالین هیچکس نیستم؛ هیچ پناه غفلتی را هم دوست ندارم حتی اگر اسم و رسم «نیمای‌پوش» باشد که البته احترامش واجب است ولی قوم می‌گوید این کافی نیست که باو احترام بگذاری باید او را پرستش کنی و اگر نمیکنی در باب او حرفی زنی که هر چه بگویی خلاف مصلحت است. در زمانه‌ای که شاعران و اهل شعر که باید در عالم سوز و عافیت سوز باشند این اندازه مصلحت‌بین هستند نمیدانم مصلحت‌بینان چه می‌اندیشند و چه میکنند. از اینهمه مصلحت‌اندیشی چه عاید شما شده است. قدری هم صلاح کار را رها کنید و خراب شوید شاید در این خراب‌آباد بگنجی رسیدید. چرا بر سر میراث «نیما» نزاع دارید. بروید شعر بگوئید و بنویسید. اینهم نوبر زمانه‌ماست که برای شعر تبلیغ میکنند و مکتب‌خانه درست کرده‌اند که روش شاعری بیاموزند. آنکه در مکتب‌خانه می‌خواهد شاعر شود همان بهتر که هرگز شعر نگوید و شاعری نکند. مگر نیما که طرح نو در شعر فارسی در انداخت تنها نبود. او در تنهایی شعر گفت. شما هم اگر میتوانید بگوئید. در زمانیکه هیچکس از «نیما» دفاع نمی‌کرد او به قدر استعداد اثر خود را در زبان و شعر فارسی و از آنجا در تمدن ما گذاشت و اکنون که دفاع از «نیما» قسمتی از وظیفه شاعران جدید شده است شعر ما دچار بیماری است. این بحث را دوباره از سر نمی‌گیرم زیرا حوصله ترابع ندارم. يك نکته را میدانم که هر چه مینویسم از سر صدق و صفاست؛ خوب و بد و درست و غلطش مطلب دیگری است که تشخیص آنهم از عهده کسانی که اصلاً اهل نظر نیستند خارج است این شرط آزادگی نیست که پندارهای خود را حق بدانیم و چون و چرا درباره آنرا منع کنیم یا در باب مطلبی اظهار نظر کنیم که به ما مربوط نیست مگر

آنکه بگوئیم آزادی ملك مطلق جماعتی است که آنرا خادم اهواء خود کرده‌اند. این آزادی و آزادی نیست بلکه عین خودپسندی و خودبینی است. کلمه‌ای از «کانت» برایتان نقل کنم که در گوش جان من اثر عجیبی داشته است. او در نامه‌ای که یکی از دوستانش می‌نویسد در ددل میکند که من بسیار چیزها در دل دارم که نگفتم و نوشته‌ام و نمی‌گویم و نمی‌نویسم اما آنقدر شجاعت دارم که برخلاف آنچه حق و درست میدانم ننویسم و بالاخره وقتی رسماً با او نوشتند که فضولی نکند مودبانه در جواب نوشت که ورود در این مسائل را حق خود میدانم اما چون می‌گوئید ننویسم اطاعت میکنم و نمی‌نویسم. بعضی گفتند پیرمرد ترسوست. بنده هم اگر نمیتوانم از بسیاری جهات تشبه به «کانت» بکنم در حرف شنوی میتوانم با او تأسی کنم. قرار بود این بحث را ادامه بدهم ولی دیگر بس است. اصلاً نوشته‌ای که اینجا و آنجا از آن حرف بزند و در روزنامه‌ها نقل شود متناسب کار و بار يك محصل فلسفه نیست. اگر کسی حقیقتاً میخواهد درس بخواند و به علم تعلقی دارد حتماً باید از جنجال پرهیزد و حتی الامکان مطالبی که موجب هیاهو میشود ننویسد. بنابراین مطالبی که در باب تاریخ نوشته‌ام تقدیم می‌کنم. این نوشته در عین اجمال و ابهامی که دارد شاید تا اندازه‌ای روشن سازد که مقصود از وضع تاریخی چیست. البته وقتی از وضع تاریخی يك قوم سخن گفته میشود منظور تأثیر اوضاع و شرایط اجتماعی و صورت ساده و سطحی مذهب اصالت تاریخ یا تاریخ‌نگاری نیست که از قرن هیجدهم پیدا شده و در عداد مسلمات درآمده است، بلکه هیچ ربطی با این مذاهب ندارد.

باتقدیم احترام

رتال جامع علوم انسانی